



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی
د ستراتژیکو او سیمه ییزو څېړنو مرکز

تحليل هفته

شماره: ۱۲۰ (از ۹ الی ۱۶ جوزا ۱۳۹۴ هـ ش)

این نشریه مجموعه تحلیل رویدادهای مهم سیاسی و اقتصادی هفته وار است که به زبان های پشتو، دری، انگلیسی و عربی، توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می گردد، تا نهادهای سیاست گذار از آن استفاده نمایند.

آنچه در این شماره می خوانید:

- مقدمه ۲
- **خواست های قوی از موضع ضعیف**
- آیا ارسال نامه غنی به نواز شریف حقیقت است؟ ۳
- محتوای نامه ۴
- از تفاهم نامه تا نامه ۵
- خواست های دشوار ۵
- نشانه هایی از ناتوانی پاکستان ۶
- نتیجه ۷

آزاد شوي طالب مشران او د سولې بهير

- آیا دا کسان د سولې په بهير کې رول لوبولی شي؟ ۹
- د سولې د روانو هڅو دوه بهيرونه ۱۰
- طالبانو ولې د ارومچي په ناسته کې گډون ونه کړ؟ ۱۱
- د سولې پر وړاندې زیاتېدونکي خنډونه ۱۱
- پایلې ۱۲

مقدمه

د پاکستان لومړي وزير نواز شريف ته د ولسمشر اشرف غني ليک، هغه موضوع ده چې په رسنيو کې په پراخ ډول خپره شوه او په افغانستان کې دننه يې بېلابېل غبرگونونه له ځان سره درلودل. د دغه ليک محتوا چې په اتو ټکو کې خلاصه شوې، ځينې مهم او پاموړ ټکي لري؛ خو لاهم څرگنده نه ده چې آيا دا ليک په رښتيا هم د پاکستان سياسي رهبرۍ ته استول شوی کنه؟ ځکه لا يې هم په اړه د افغانستان ولسمشرۍ مانۍ او بهرنيو چارو وزارت د رد يا تاييد په اړه څه نه دي ويلي.

که دا ليک په رښتيا هم د پاکستان سياسي مشرتابه ته استول شوی وي، ولې د هغه هېواد له استخباراتي شبکې سره د افغانستان د ملي امنيت د يوې تفاهم نامې له لاسليک سره هم مهاله استول کېږي؟ او آيا په ليک کې درج شوې غوښتنې عملي دي؟ خو که ليک نه وي استول شوی، نو بيا د دې آوازې خپرولو اصلي موخه څه ده؟

له بلې خوا د گوانتانامو له زندان څخه د پنځو خوشي شوو طالب مشرانو د نظر بندۍ يو کلنه موده پای ته رسېدلې او په دې تړاو بېلابېل راپورونه خپرېږي. د افغانستان د سولې عالي شورا ويلي، چې دا کسان دې کابل ته وسپارل شي، ترڅو د سولې په بهير کې مرسته وکړي؛ خو آيا دا کسان په رښتيا هم د سولې په بهير کې مرسته کولی شي؟

داسې راپورونه هم خپاره شوي، چې گواکې د دغو کسانو د نظر بندۍ موده غځول شوې ده. د دغې مودې غځول به د سولې پر روانو هڅو څه اغېز وښدي؟ او په ټوليز ډول د سولې په تړاو وروستي گامونه په کوم لوري اڅپستل شوي او اڅپستل کېږي؟

د دې اوونۍ په تحليل کې، د ستراتيژيکو او سيمه ييزو څېړنو مرکز څېړنيزې څانگې، همدا موضوعات شنلي دي.

خواست‌های قوی از موضع ضعیف



در این اواخر رئیس‌جمهور غنی نامه‌ای به نواز شریف صدراعظم پاکستان فرستاده‌است. نامهٔ محرمانه‌ای که گویا از حالت محرمانیت خارج شده و به دسترس رسانه‌ها نیز قرار گرفته است.

آیا ارسال نامهٔ غنی به نواز شریف حقیقت است؟

تا هنوز پرسش‌هایی در مورد نامهٔ ارسالی رئیس‌جمهور غنی به صدراعظم پاکستان، به جای خود باقی‌ست. آیا واقعاً این نامه به نواز شریف فرستاده شده؟ اگر فرستاده شده، چرا هم‌زمان با امضای تفاهم‌نامهٔ همکاری میان امنیت ملی افغانستان و آی اس آی، فرستاده شده؟ و چرا با این همه سر و صداها در رسانه‌های معتبر افغانستان، ریاست جمهوری و وزارت امور خارجهٔ کشور در موردش توضیحات نمی‌دهند؟

مقامات پاکستانی تاکنون نپذیرفته که چنین نامه‌ای به آنها فرستاده شده. همچنان سفارت پاکستان در کابل نیز از ارسال این نامه اظهار بی‌خبری کرده است.

نشر چنین خبری از قول منابع مخفی در ریاست جمهوری شاید برای دو هدف باشد:

۱- خاموش کردن سروصداهایی که به دنبال امضای تفاهم‌نامه استخباراتی میان امنیت ملی افغانستان و سازمان استخباراتی پاکستان برانگیخته شد؛

۲- چراغ سبزی به کشور رقیب پاکستان، به هدف حفظ تعادل در روابط با دو کشور.

اما اینکه حکومت افغانستان و حکومت پاکستان به گونه رسمی در این مورد چیزی نگفته، بناء تا کنون ذهنیت عامه طوری است که این نامه به جانب پاکستانی فرستاده شده؛ و رسانه‌های افغان نیز نه تنها این که بر ارسال این نامه باور دارند، بل محتوای نامه نیز به رسانه‌ها درز کرده است. بنابراین جا دارد تا روی محتوای آن بحث کرد.

محتوای نامه

رئیس‌جمهور غنی در این نامه از صدراعظم پاکستان خواسته است تا در مدت یک ماه اقدامات ذیل را عملی سازد:

۱- صدور یک بیانیه رسمی از سوی رهبری سیاسی پاکستان که در آن فعالیت‌های نظامی طالبان مورد تقبیح قرار گیرد؛

۲- بسته شدن تمام پناه‌گاه‌های طالبان در داخل خاک پاکستان به صورت فوری؛

۳- بازداشت مسؤولان فعالیت‌های نظامی اخیر در افغانستان و گسترش این گرفتاری‌ها به رهبران شبکه حقانی؛

۴- دستور بازداشت خانگی رهبران شورای کویته و شورای پشاور و آغاز پیگرد آنان به علت تهدید کردن کشور دوست؛

۵- دستور سپردن تمامی زخمی‌های طالبان افغان از سوی مراکز درمانی در پاکستان به زندان‌های امنیتی برای بازداشت و بازرسی؛

۶- توافق برای مبادله زندانیانی چون ملا برادر از تحریک طالبان افغان با اعضای تحریک طالبان پاکستان؛

۷- جلوگیری از فروش مواد کیمیاوی مورد استفاده در ساختن مواد انفجاری به گروه‌های هراس‌افکن؛

۸- ایجاد تفاهم‌نامه‌ای که بر بنیاد آن عملیات‌های هم‌زمان برای جلوگیری از رفت و آمد اعضای تحریک طالبان پاکستان و تحریک طالبان افغانستان در دو سوی مرز به راه انداخته شود.

از تفاهم‌نامه تا نامه

مدتی قبل، موضوع امضای تفاهم‌نامه میان ریاست امنیت ملی افغانستان و سازمان استخبارات نظامی پاکستان، موجب سر و صداهای زیادی در افغانستان گردید. شایعاتی به گوش رسید که گویا میان رحمت‌الله نبیل، رئیس امنیت ملی و حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی اختلاف به میان آمده است. اتمر از نبیل خواسته که این تفاهم‌نامه را امضا نماید، اما نبیل با تندی عکس‌العمل نشان داده و از امضای آن خودداری ورزیده است. در نتیجه تفاهم‌نامه مذکور را معاون ریاست امنیت ملی، امضا نموده است.

این خبرها چه غلط باشد یا درست، اما در این نکته هیچ شکی وجود ندارد که امضای این تفاهم‌نامه اختلاف در صف حکومت وحدت ملی را تشدید کرد. مخالفین به این نظر هستند که در شرایطی که هنوز در مورد صداقت پاکستان برای کمک به پرونده صلح شک و تردیدها به حال خود باقی‌ست، دادن این همه امتیاز به پاکستان عاقلانه نیست.

بنابراین به نظر می‌رسد که رئیس‌جمهور غنی زیر فشار قرار گرفته است که تا زمانیکه پاکستان در جهت کمک به پرونده صلح در افغانستان و ایجاد فشارهای لازم بر طالبان گام‌های عملی بردارد، نباید تفاهم‌نامه با این کشور امضا شود.

در نامه رئیس‌جمهور غنی به جانب پاکستان یک ماه زمان تعیین شده است تا آن کشور در رابطه به هشت خواست افغانستان، دست به اقدامات لازم بزند اما در حالیکه از ارسال نامه رئیس‌جمهور غنی حدود سه هفته سپری شده است، هنوز اثری از عملی شدن خواست‌های وی از جانب پاکستان دیده نمی‌شود. در حالیکه در نامه از پاکستان تقاضا شده که طراحان حملات اخیر به افغانستان دستگیر شوند، جنگ در نقاط مختلف کشور با شدت بی‌سابقه جریان دارد.

خواست‌های دشوار

یکی از دلایل جنگ‌های شدیدی که طالبان امسال به راه انداخته‌اند، این است که می‌خواهند مناطق تحت کنترل خود را گسترش دهند و به جای پاکستان، در مناطق کوهستانی در داخل افغانستان مستقر گردند. حتی برای طالبان پاکستانی که در مناطق قبیایلی زیر فشار قرار دارند، افغانستان جای مناسب‌تر است.

در حالیکه رئیس‌جمهور غنی از پاکستان می‌خواهد که پناهگاه‌های طالبان را در داخل خاک پاکستان از بین ببرد، مقامات پاکستانی به این باور اند که اکنون این پناهگاه‌ها به داخل خاک افغانستان نقل مکان نموده‌اند. در سفر اخیر نواز شریف و مقامات نظامی و امنیتی پاکستان به کابل نیز پاکستانی‌ها مدعی شدند که "را" سازمان استخبارات هندوستان از طریق افغانستان این مراکز را تمویل و تجهیز می‌کند.

دستگیری اعضای شوراهای کویت و پیشاور نیز خواست مبهمی است، زیرا هیچ‌کس به درستی نمی‌داند که مرکزیت شورای کویت که در حقیقت همان شورای مرکزی طالبان است، در کجاست؟

در شرایط فعلی نه در کویت شورایی به نام "شورای کویت" وجود دارد و نه در پیشاور. عملیات وزیرستان شمالی موجب شده تا طالبان مشهور به شبکه حقانی نیز، این منطقه را ترک گویند و حتی مدرسه منبع الجهاد مولوی جلال الدین حقانی در وزیرستان شمالی نیز تقریباً متروک شده است.

از مطالب مطرح شده در این نامه برمی‌آید که حکومت افغانستان باور راسخ دارد که رهبران کلیدی طالبان با خانواده‌های شان در داخل شهرهای پاکستان زندگی می‌کنند و به همین دلیل خواهان حداقل بازداشت خانگی آنها از طرف حکومت پاکستان است.

نشانه‌هایی از ناتوانی پاکستان

از زمانیکه روابط میان حکومت وحدت ملی در کابل با اسلام‌آباد از طریق همکاری‌های امنیتی نزدیک‌تر شده، حکومت پاکستان تلاش داشته تا با چهره‌های شناخته شده طالبان تماس برقرار نموده و آنها را به مذاکره با کابل ترغیب و حتی مجبور سازد، اما عملاً در این کار توفیقی نداشته است.

نشستی که اخیراً در ارومچی کشور چین صورت گرفت میان نمایندگان حکومت افغانستان و طالبانی بود که عملاً هیچ نقشی در پرونده صلح ندارند. یعنی پاکستان عملاً از افراد مهم و کلیدی طالبان کسی را در اختیار ندارد تا با حکومت افغانستان به مذاکره بنشاند و طالبان نیز طی اعلامیه‌ای هرگونه رابطه خود با این نشست را رد کردند.

داکتر محمد نعیم وردگ، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر، طی یک [مصاحبه](#) اخیراً تأکید نمود که طالبان تحت نفوذ هیچ کشوری قرار ندارد و جنگ آنان به صورت مستقل ادامه خواهد یافت. تلاش‌هایی که به منظور چند پارچه نشان دادن طالبان به راه افتاده، محکوم به ناکامی است.

نتیجه

خواست‌های مطرح شده در نامهٔ ارسالی رئیس‌جمهور غنی به نوازشریف نشان می‌دهد که روحیهٔ عدم اعتماد به عنوان بزرگترین مشکل در روابط دو کشور هنوز سر جای خود باقی‌ست. این نامه گویای این واقعیت است که حکومت افغانستان هنوز هم گمان دارد که مراکز حمایت، تمویل و تجهیز طالبان افغان در داخل خاک پاکستان قرار داشته و جنگ طالبان در افغانستان از داخل پاکستان و توسط "آی اس آی" رهبری می‌شود.

وقتی حکومت افغانستان هنوز به جانب پاکستان اعتماد ندارد، پس به کدام دلیل تفاهم‌نامهٔ امنیتی را با آن همه امتیاز با آی اس آی امضا کرده است؟

دلیل این امر را می‌توان ناشی از توافقنامهٔ امنیتی با امریکا دانست که حکومت کابل را مجبور به قبول خواست‌های پاکستان کرده است. در مقدمهٔ توافقنامهٔ امنیتی افغانستان با امریکا چنین آمده است:

"با تاکید مجدد بر حمایت دومدار طرفین برای ایجاد میکانیزم‌های همکاری و هماهنگی منطقی به هدف تحکیم امنیت و ثبات از طریق رفع تنش‌ها، ابهامات و سوء تفاهمات."

بنابراین افغانستان مکلف است تا به هدف تحکیم امنیت و ثبات، سه مشکل را با پاکستان حل کند:

۱- رفع تنش‌ها یعنی جلوگیری از برخوردها یا تهدیدات نظامی میان دو کشور که در گذشته به شکل حملات راکتی در بعضی نقاط سرحدی از جانب پاکستان صورت می‌گرفت؛

۲- رفع ابهامات یعنی روشن شدن تمام مسایل مبهم به خصوص مسایل سرحدی که موجب اختلاف یا اختلال در روابط گردیده است. "مسئلهٔ دیورند"؛

۳- رفع سوء تفاهمات که دو کشور یک دیگر را به همکاری با دشمنان همدیگر متهم می‌کنند. رفع این سوء تفاهمات بدون همکاری‌های نزدیک استخباراتی ممکن نیست.

رئیس‌جمهور غنی در این نامه، خواست‌های قوی را از موضع ضعیف مطرح کرده است؛ زیرا او وسیلهٔ فشار بر پاکستان برای تحقق این خواست‌ها را در اختیار ندارد. او مجبور است تا به رفع مشکل با پاکستان که در قرارداد امنیتی با امریکا به آن متعهد شده عمل کند. دوام حکومت وی نیز به برنده شدن در این قمار بزرگ، گره خورده است.

آزاد شوي طالب مشران او د سولې بهير



له گوانتانامو زندان څخه د پنځو جگپوړيو طالب بنديانو د خلاصون له يوه کال مودې پوره کېدو وروسته، د دغو کسانو د برخليک په تړاو څرگندونو زور اخيستی. ملا خيرالله خيرخوا، ملا نورالله نوري، ملا فاضل مظلوم، عبدالحق وثيق او مولوي محمد نبي عمري د تېرې مۍ په ۳۱مه نېټه د قطر په منځگړيتوب او د امريکا او په قطر کې د طالبانو د سياسي استازو د غيرمستقيمو مذاکراتو په پايله کې، له طالبانو سره د اسير امريکايي پوځي، "بو برگډال" سره په تبادله کې آزاد شول. هغه مهال د دواړو لورو ترمنځ دا شرط منل شوی و، چې دا کسان به تر يوه کاله له قطر څخه بهر سفر نه کوي؛ ځکه امريکايي چارواکيو وېره لرله چې دغه طالبان، چې په خپل وخت کې عمدتاً نظاميان وو، د جگړې ډگر ته ستانه نه شي.

اوس چې له قطر څخه بهر د دغو طالبانو پر سفرونو د بنديز وخت پوره کېږي، د امريکا د څارگرې ادارې مشر جان برينن، له سي ان ان سره په خبرو کې وويل چې دوی له قطر سره په دې تړاو خبرې کوي. ځينې راپورونه داسې هم خپاره شول، چې د دوی پر سفرونو بنديز تر هغې غځول شوی، ترڅو چې امريکايان له قطري چارواکيو سره يوې پرېکړې ته ورسېږي.

له بلې خوا طالبانو هم د خپلو غړيو د خوشې كېدو پر لومړۍ كليزه **خبرپاڼه** خپره كړې ده. په دې خبرپاڼه كې د يادو مذاكراتو په بريا كې له ښكېلو اړخونو يو ځل بيا مننه شوې او زياته شوې چې «له توافقنامې سره سم به نوموړي كسان په آزاد حيثيت سره په هغه ځاى كې چې اسلامي امارت لازم وېوې، خپل ژوند تېروي».

د افغان حكومت د سولې عالي شورا بيا غوښتنه كړې، چې دغه آزاد شوي طالب مشران دې كابل ته وسپارل شي، ترڅو «د سولې بهير كې مرسته وكړي».

آيا دا كسان د سولې په بهير كې رول لوبولى شي؟

دا تمه چې ياد شوي پښخه تنه طالب مشران دې كابل ته وسپارل شي، ترڅو د سولې په خبرو كې رول ولوبوي، د څو لاملونو له مخې يوه بې ځايه تمه ښكاري:

لومړۍ: دغه پنځه تنه آزاد شوي طالبان عمدتاً نظاميان دي، چې د خپلو دندو پر مهال تر ډېره په نظامي چارو كې بوخت وو؛ دوى د كوم سياسي كار مخبښنه نه لري، چې د سولې بهير كې د مرستې تمه ترې وشي؛

دويم: دغه طالبان پر افغانستان د امريكا له يرغل راهيسې د ۲۰۱۴ كال د مۍ مياشتې تر وروستيو پورې، د افغانستان له روان وضعيت او نوو بدلونونو او نوو خبرو سره كاملاً ناآشنا شوي دي؛

درېيم: دغه پنځه تنه د قطر دفتر له تاسيس راهيسې په لومړنيو مذاكراتو كې آزاد شوي. په داسې حال كې چې د مذاكراتو كولو يا نه كولو صلاحيت د طالبانو له خوا د قطر دفتر ته ورکړل شوى، نو دا پنځه تنه څنگه كولاى شي د دفتر له موافقې پرته د سولې د بهير نوبت په خپل لاس كې واخلي؛

څلورم: پخوا هم لوړپوړي طالب چارواكي له زندانو آزاد شوي دي. د طالبانو د حكومت د بهرنيو چارو وزير، وكيل احمد متوكل او په اسلام آباد كې د طالبانو سفير، ملا عبدالسلام ضعيف هغه دوه تنه دي، چې د سياسي كار مخبښنه يې هم لرله؛ خو له آزادېدو وروسته يې د سولې د بهير نوبت په خپل لاس كې ونه شو نيولى؛

پنځم: كه دا پنځه تنه د سولې بهير د چټكولو هڅې هم وكړي، مگر د طالبانو په اوسنيو ليكو كې عمدتاً نوى نسل جنگېري او د دوى پېژندگلوې ښايي په هغه حد كې نه وي، چې د جگړې پر بهير اغېزې وښندلاى شي.

د سولې د روانو هڅو دوه بهیرونه

لومړی، له قطر دفتر څخه د طالبانو رسمي استازي، چې هڅه کوي ځانونه د پاکستان له اغېزو لرې، د خپلې ډلې په استازیتوب په نړیوالو ناستو کې گډون وکړي؛

او دویم، پاکستان د اشرف غني له حکومت سره د خپلو یو لړ ژمنو د پلي کولو په دود داسې نښي چې گویا طالبان یې د سولې خبرو ته کېنول.

تېره میاشت له طالبانو سره د خبرو دوه ناستې د خبرونو سرتېکي وو. د قطر په الخور کې د پگواش له خوا رابلل شوې غونډه او په ارومچي کې تېره اوونۍ د سولې اړوند بله غونډه، چې بې پایلې پای ته ورسېدې. د پگواش په ناسته کې له قطر دفتر څخه د طالبانو یوه شل کسيز پلاوي گډون کړی و؛ خو د ارومچي په ناسته کې بیا داسې کسانو گډون کړی و چې د طالبانو په تشکیلاتو کې یې دندې نه دي معلومې. داسې راپورونه ورکړل شول، چې د ارومچي په ناسته کې ملا جلیل، ملا حسن رحمانی او ملا عبدالرازق د طالبانو په استازیتوب گډون کړی و؛ خو طالبانو په ارومچي خپل گډون رسماً رد کړ.

ځینې رسنۍ کله د ارومچي په ناسته کې د پاکستان د آی اس آی په نوبت، د طالبانو د گډون خبره کوي او ځینې نور بیا د پگواش په ناسته کې د طالبانو د گډون کرېډیټ پاکستان ته ورکوي. د سولې په تړاو هڅو کې د افغان حکومت یوه تکراري تېروتنه دا ده، چې پاکستان ته یې د دغه هېواد تر وړتیا پورته ارزښت ورکړی او همدا کار نه یوازې دا چې د سولې بهیر د چټکتیا لامل نه دی شوی، بلکې د سولې بهیر یې لا پېچلی کړی دی.

په افغانستان کې د «ملي یووالي» حکومت له تشکیل راهیسې، ولسمشر غني هڅه کړې چې د هېواد په بهرني سیاست کې ژور بدلون رامنځ ته کړي. غني له پاکستان سره په اړیکو کې د ژور بدلون کوښښ کړی، چې له همدې امله په کور دننه تر نیوکو لاندې راغلی. د غني حکومت د سولې بهیر ته ځکه ډېر هیله من شوی، چې پاکستان ورسره ژمنې کړې وي.

په تېره فبرورۍ کې، پاکستان ژمنه وکړه چې د مارچ په لومړیو کې به طالبان له کابل سره نېغ په نېغه خبرې اترې پیلوي. د پاکستان دې ژمنو ځینو سره سولې ته هیلې راوټوکولې. خو پر مارچ څو میاشتې نورې هم ورواوبښتې، مگر د سولې د خبرو د عملي پیل څرک ونه لگېد.

طالبانو ولې د ارومچي په ناسته کې گډون ونه کړ؟

طالبانو ته د نژدې سرچینو له قوله، د قطر د دفتر غړو غوښتل چې په اورمچي کې له چینایانو سره مخامخ خبرې وکړي؛ خو کله چې ناسته خلور اړخیزه شوه، طالبانو له گډون څخه انکار وکړ. د طالبانو د قطر دفتر ویاند، **ډاکټر نعیم وردگ** هم په اورمچي کې د خپلو استازو گډون رد کړی او دا یې د سیاسي دفتر د رول د «کمرنگه» کېدو یوه تبلیغاتي هڅه بللې ده.

طالبانو ته نژدې سرچینو، د چین په ناسته کې د دغې ډلې د سیاسي استازو د نه گډون لامل دا ښودلې، چې طالبان وېره لري، په یاده ناسته کې به یې گډون په دې معنا و، چې گواکې پاکستان دوی هلته کېنولي. په ۲۰۱۳م کال کې، کله چې د طالبانو لپاره په قطر کې سیاسي دفتر پرانیستل شو، پاکستان له افغان حکومت سره د دفتر د کمزوري کولو په هڅه کې ملگری شو. د پاکستان په کوټه ښار کې د دغه هېواد څارگرې ادارې د قطر دفتر د مشر، سیدمحمد طیب آغا دوه وروڼه ونيول. هغه مهال ویل شوي و، چې پاکستان د قطر دفتر له مشر څخه غوښتي، چې یو ځل دغه هېواد ته سفر وکړي. خو د طالبانو سیاسي استازو تر دې دمه دغه هېواد ته کوم سفر نه دی کړی.

د سولې پر وړاندې زیاتېدونکي خنډونه

د ملي وحدت د حکومت له جوړېدو راهیسې د سولې په تړاو دومره کار نه دی شوی؛ لکه څومره یې چې په لاره کې خنډونه جوړ شوي دي. د قطر دفتر یوې سرچینې تایید کړې، چې اشرف غني د ولسمشریزو ټاکنو پرمهال د طالبانو له رسمي استازو سره لیدلي وو او له هغوی سره یې ژمنه کړې وه، چې تر خپلې وسې به د امنیتي تړون لاسلیک کول ځنډوي؛ خو د ولسمشر د لوړې له مراسمو یوازې څو ساعته وروسته له امریکا سره امنیتي تړون لاسلیک شو، چې دا بیا د سولې په لاره کې تر ټولو لوی خنډ او د سولې پر خلاف لومړی گام و.

افغان حکومت په دویم گام کې له پاکستان سره خپل روابط له دې کبله نږدې کړل، چې طالب مشران د دوی په ولکه کې دي او چې پاکستان ترې څه وغواړي هغه ترې اخیستی شي. د افغان حکومت د دغه پاکستان-محوره خارجي سیاست له کبله طالبانو د خپلې خپلواکۍ او سیاسي راتلونکي په موخه خپل پسرلني عملیات په ښه زور او زور سره پیل کړل، ترڅو ځانونه د پاکستان له اغېزو څخه پاک او خپل سیاسي راتلونکي خوندي

کړي. له همدې کبله دوی د پاکستان له لارې د سولې خبرو اترو ته چمتو نه دي؛ ځکه دا به بیا د دوی سیاسي خپلواکي سلب او د دوی سیاسي راتلونکی تور کړي.

اوس به هم پر هغو پنځو طالب مشرانو د نظربندی موده اوږدول، چې د بو بړ گډال په بدل کې له گوانتنامو څخه راخوشې شوي وو، د طالبانو، امریکا او افغان حکومت ترمنځ بې باوري لا زیاته کړي. ځکه د طالبانو په اند له دوی سره د شوې توافقي له مخې، د دغو کسانو یوه کلنه موده پوره شوې او اوس به په آزاد حیثیت سره ژوند تېر کړي. دوی د دغې نظربندی د غځېدو په اړه د رسنیو راپورونه، بې بنسټه بولي او دا د نړېوالو اصولو او د شوې توافقي د اصولو منافي بولي. که چېرې له طالبانو سره د توافقي خلاف داسې چلند وشي، نو دا به له طالبانو سره په راتلونکیو توافقيو هم ژوره اغېزه وښندي.

پایلي

۱- پنځه تنه آزاد شوي طالب مشران د قطر دفتر په نوبت آزاد شوي او اوس هم هلته مېشت دي. هغوی نه شي کولای د دفتر تر سیوري لاندې د سولې په نامه پر خپل سر هڅې پیل کړي. ځیني باور شواهد هم ښيي چې دغه طالبان داسې کومه اراده نه لري؛

۲- د سولې عالي شورا گومان کوي چې که دغه طالبان کابل ته وسپارل شي، د سولې بهیر کې به مرسته وکړي؛ خو تر دې پخوا هم د دوی په نسبت لوړپوړي طالبان آزاد شول او اوس هم کابل کې مېشت دي؛ خو د سولې کوم بهیر یې پیل نه کړ؛

۳- پاکستان لا هم هڅې کوي چې د افغان حکومت باور ترلاسه کړي او داسې وښيي چې گواکې د سولې کيلي یوازې د دوی په لاس کې ده؛

۴- په اورمچي کې پاکستان د طالبانو د پخوانیو غړو له گډون څخه غوښتل گټه پورته کړي؛ خو یاده غونډه هم بې پایلي پای ته رسېدلې ده؛

۵- طالبان هڅه کوي چې د سولې اړوند بهیر د پاکستان له اغېزې څخه لرې وي، که افغان حکومت هم دغسې هڅې وکړي، ښايي د سولې پېچلې لار یوه مخه پیدا کړي.

۶- د پنځو طالب مشرانو د نظر بندۍ موده غځول د سولې پر وړاندې د زیاتېدونکو خنډونو پر لړۍ یو بل خنډ ورزیاتېدل دي او د طالبانو پر راتلونکو پرېکړو به ژوره اغېزه وکړي.

پای



ارتباط با ما:

ایمیل: csrskabul@gmail.com - info@csrskabul.com

وب سایت: www.csrskabul.net - www.csrskabul.com

شماره تماس: (+93) 784089590